

سخنی کوتاه در مورد تصنیف و تصنیف خوانی

اصولاً اجرای هنر ضربی خوانی^(۱) در بین خوانندگان قدیمی رواج داشت و غالباً خوانندگان ضربی خوان تنبک‌نواز نیز بوده‌اند. هنر ضربی خوانی اگر به صورت بداهه‌خوانی باشد به ضربی کار عمل معروف است. به عبارتی دیگر خواننده آواز در آن واحد، شعری را همراه با ملودی‌های از پیش تعیین نشده و به صورت بداهه‌خوانی در یک ضرب آهنگ بخصوص اجرا می‌نمود، به صورتیکه قسمت اعظم ملودیهای خلق شده، قبلاً ساخته و شنیده نشده بود^(۲).

البته اجرای اینگونه ضربی‌ها از عهده هر خواننده‌ای ساخته نبوده و نیست. این نوع ضربی خوانی‌های بداهه را ضربی کار عمل می‌گفته و می‌گویند.

بعدها در اثر تخصصی شدن بیش‌تر موسیقی در سالیان اخیر، ضربی خوانی‌ها تقریباً متوقف شده و موسیقی‌دانها قطعاتی را به صورت بدون کلام ساخته (تصنیف کردند) و به وسیله شاعران تصنیف‌سرا، متناسب با آن قطعات، اشعاری سروده شد و این اشعار و آن قطعات بدون کلام توأمأ اجرا و تصنیف‌های کنونی شکل گرفت.

تصنیف در حقیقت یک قطعه موسیقی بدون کلام از پیش ساخته شده است که با همراهی شعر مناسب فرم خاص خود را پیدا می‌کند.

فرم تصنیف با اینکه قافیه دارد، ولی تا پایان در قید داشتن قافیه نمی‌ماند و می‌توان گفت، شکل‌گیری تصنیف بیشتر تابع وزن است.

چنانچه اگر شعر یک تصنیف را بدون ملودی در مقابل چشمان شما قرار دهند، اگر به وزن اشعار تصنیف توجه نکنیم و از قبل متوجه نباشیم که این شعر تصنیف است، ظاهراً با شعر نو فعلی ایران اشتباه می‌کنیم (از لحاظ نداشتن قافیه و نه از نظر شکل و محتوا) معمولاً سازندگان تصنیف از سه دسته بوده و هستند.

۱- تصنیف‌سازانی که در اصل شاعر بوده‌اند.

۲- تصنیف‌سازانی که در اصل موسیقی‌دان بوده‌اند.

۳- تصنیف‌سازانی که هم شاعر و هم موسیقیدان بوده‌اند.

۱ - نمونه‌هایی از ضربی خوانیها در مراسم خانقاهی و یا مراسم ورزشهای باستانی (زورخانه) هنوز متداول می‌باشد.

۲ - مغایر با سیاستی که امروزه یک قطعه موسیقی از قبل ساخته و پرداخته شده و سپس شعر سروده شده را روی آن قطعه

می‌گذارند و در واقع تصنیف می‌سازند.

هر چند در طول تاریخ موسیقی ایران، از هر سه دسته، افرادی سرشناس وجود داشته ولی آنچه ماندگار شده تصنیف‌هایی بوده که بر اساس سیاست نوع سوّم شکل گرفته است. تصنیف‌های نوع سوّم بیشتر به دو تصنیف سرا و تصنیف ساز معروف، عارف قزوینی و علی اکبر شیدا منسوب است. چنانچه در این دفتر نیز سعی شده اکثراً از ساخته‌هایی که سازندگان آنها موسیقیدان و هم شاعر بوده‌اند، بهره گرفته شود.

ویژگی‌های موجود در این مجموعه و طرز استفاده از آن

۱- تنوع ضرب آهنگهای تصانیف

در این مجموعه از تصانیفی استفاده شده که دارای ضرب آهنگ‌های معمول و مرسوم و متنوع هستند. این ضرب آهنگها عبارتند از $\frac{2}{4}$ و $\frac{4}{4}$ و $\frac{6}{4}$ و $\frac{3}{8}$ و $\frac{6}{8}$ که در این میان فراوانی تصنیف با ضرب آهنگ $\frac{2}{4}$ و $\frac{6}{8}$ از همه بیشتر است و به حافظه سپردن ضرب آهنگهای متفاوت باعث تنوع اطلاعات خواننده در امر ضربی خوانی خواهد بود.

۲- آسان شدن اجرای ضرب آهنگ تصنیفها به وسیله شناخت ضرب اول هر میزان و تجزیه کلمات بر اساس ضرب آهنگ

در اجرای قطعات ضربی، اعم از (ضربی‌های کار عمل) و یا (تصنیف‌ها) نوازندگان و خصوصاً خوانندگان نسبت به شناخت کششهای ضربهای موجود در یک میزان ملزم هستند و در این میان شناخت ضربهای اول هر میزان در مقایسه با سایر ضربهای یک میزان، برای خوانندگان آواز و نوازندگان از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود، به صورتیکه این شناخت باعث می‌شود تا خواننده و نوازنده به سهولت بتواند قطعات ضربی را تا پایان قطعه بطور صحیح اجرا نماید. بطور مثال در یک میزان که دارای کسر $\frac{3}{4}$ می‌باشد و یا به عبارتی میزانی است سه ضربی، می‌توانیم بشماریم: (۱ و ۲ و ۳) و در حقیقت با شمارش برای هر ضرب میزان، کنترل کشش‌های هر ضرب برای ما راحت‌تر خواهد بود و طبیعی است با مشخص شدن نوعیت هر میزان از لحاظ تعداد ضرب، ضرب اول آن میزان نیز به وضوح مشخص می‌شود و خواننده می‌تواند بر اساس ضرب اول میزان و شمارش صحیح، بر اساس صورت کسر میزان، کششهای ضربهای بعدی میزان را بطور صحیح اجرا کند.

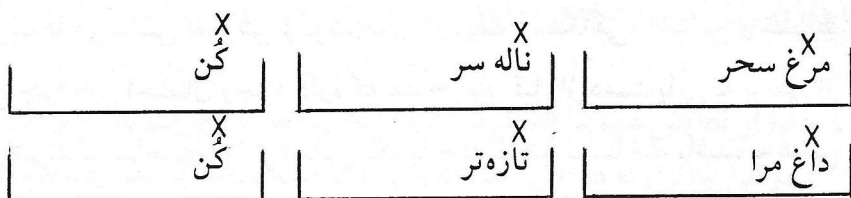
تجزیه کلمات شعر بر اساس ضرب آهنگ

اگر کلمات شعر تصنیف بر اساس ضرب آهنگ تصنیف به گونه‌ای از یکدیگر تفکیک شوند که بخش اول کلمه یا نیم‌کلمه‌ای نشانگر ضرب اول هر میزان باشد، بدینوسیله خواننده می‌تواند اجرای قطعه ضربی را به سهولت انجام دهد.

بطور مثال: به تفکیک کلمات قسمتی از شعر تصنیف معروف «مرغ سحر» که از ساخته‌های مرتضی نی داود روی شعر محمد تقی بهار می‌باشد و بر اساس کسر $\frac{6}{8}$ در گام ماهور شکل داده شده^(۱) توجه کنید:

داغ مرا تازه تر کن

مرغ سحر ناله سر کن



دقت کنید. بر اساس دو ضربی بودن هر میزان، چه قسمت از کلمات شعر با ضربهای اول هر میزان منطبق می‌شوند، این قسمت‌ها که عبارتند از:

(مُ از کلمه مُرغ) (نا از کلمه ناله) (کُ از کلمه کُن) و با علامت ضربدر در هر میزان مشخص شده‌اند.

البته این نکته را نباید فراموش کرد که در پاره‌ای از قسمت‌های یک ضربی ممکن است بخش اول کلمه‌ای از شعر، روی ضرب اول یک میزان قرار نگرفته باشد که این مسئله در جای خود توضیح داده خواهد شد.

۳- تنوع در انتخاب تصنیفها بر اساس ساختار ملودیک

از آنجائیکه سیاست ساخت تصانیف از قدیم الایام به گونه‌ای بوده و هست که می‌تواند نشانگر

۱ - با استدلالی دیگر، کسر مذکور را $\frac{3}{4}$ نیز محسوب کرده‌اند ولی منطقی آن است که تصنیف فوق را در کسر $\frac{6}{8}$ ارزیابی کنیم چنانچه بسیاری از میزانهایی که ممکن است در مکتوبات دیگر به $\frac{3}{4}$ شناسایی شده باشد در این مجموعه به صورت $\frac{6}{8}$ ارزیابی شده است.

شخصیت ملودیک یک گوشه یا چندین گوشه از یک گام و یا گامهای مختلف^(۱) باشد، انتخاب تصانیف این مجموعه به صورتی است که، در هر تصنیف، مرسوم‌ترین و معمول‌ترین گوشه‌های مربوط به آن گام را در خود دارد. مثلاً اگر تصنیفی ساخته شده در گام ماهور انتخاب شده، حداقل گوشه‌های درآمد ماهور داد - شکسته - دلکش - عراق در طول روند ساختار تصنیف خودنمایی خواهند نمود، و این خود باعث می‌شود تا هنرجوی آواز تجربیات ردیف‌خوانی از گوشه‌های فوق‌الذکر را در قالب مجموعه‌ای ریتمیک و ضربی نیز در بوته آزمایش قرار دهد.

۴- شناسایی گوشه‌ها و تیکه‌هایی که ساختار تصنیف بر اساس آنها شکل گرفته است

شناخت گوشه‌ها و تیکه‌ها در ساختار تصنیف، نیازمند آن است که، قبلاً با بافت و استخوان‌بندی ملودیک گوشه‌ها در بخش آموزش (گوشه‌های) ردیف دستگامی، آشنایی و تسلط حاصل شده باشد. بنابراین چون این احتمال وجود دارد که هنرجویان قبل از دست‌یابی به برخی از گوشه‌ها با تصانیفی روبرو شوند که ساخت آنها بر اساس یک یا چند گوشه ناشناخته باشد، به همین دلیل کلیه قسمت‌های یک تصنیف، از لحاظ ساختار ملودیک گوشه‌ها از یکدیگر جداسازی شده و نام هر گوشه در مقابل مصرع‌های مربوطه آورده شده است. بنابراین هنرجو به راحتی می‌تواند دریابد که اشعار مشخص شده در محدوده ملودیک کدامین گوشه شکل گرفته است^(۲).

بطور مثال: در مقابل ابیات اولیه تصنیف شماره ۴ که از تصانیف ساخته شده در گام ماهور است، اینگونه آمده است:

۱- می زده شب، چو زمیکده بازآیم

۲- بر سر کوی تو من، به نیاز آیم

۳- دلدادۀ رهگذرم، از خود نبود خبرم، ای فتنه‌گرم

درآمد ماهور (بنفشه)

که با دیدن چنین مطلبی، خواننده در می‌یابد که مصرع‌های مشخص شده در محدوده درآمدی از ماهور به نام بنفشه ساخته شده است.

۱ - در صورتی که ساخت تصنیف با منظور مدولاسیون و مرکب‌خوانی صورت گرفته باشد طبیعتاً در طول تصنیف چند گام متفاوت می‌تواند خودنمایی کند.

۲ - البته این دریافتن در صورتی امکان‌پذیر خواهد بود که هنرجوی آواز، قبلاً با ساختار ملودیک تصنیف مذکور، به صورت شنیداری، آشنایی حاصل کرده باشد وگرنه هرگونه توضیح شفاهی برای مسئله فوق نتیجه‌بخش نخواهد بود.